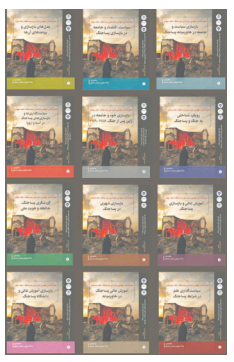
پیشخوان

بازسازی زندگی پس از جنگ

نگاهی به مجموعه ۱۲جلدی «تجربه‌های جهانی بازسازی پساجنگ»

جنگ با خاموش‌شدن صدای سلاح‌ها از زندگی مردم بیرون نمی‌رود؛ آثار آن در شـهرها و خانه‌ها، در مناسـبات اجتماعی، در عملکرد نهادها و در تصویری که انسان‌ها از آینده دارند، باقی می‌ماند. بازسازی نیز از همین‌جا معنایی گسترده پیدا می‌کند؛ ساختن دوباره بناها، احیای اقتصاد و تأمین خدمات عمومی، همراه با ترمیم روابطی که زندگی جمعی بر آنها استوار است. مجموعه ۱۲جلدی «تجربه‌های جهانی بازسازی پساجنگ» با چنین نگاهی تهیه و منتشر شده است؛ مجموعه‌ای که تجربه‌های کشـورهای مختلف را پیش‌روی مخاطب ایرانی قرار می‌دهد تا ابعاد متنوع بازسـازی، از سیاست و اقتصاد تا فرهنگ، شناخت، شهر و آموزش عالی، در کنار یکدیگر دیده شوند.



این مجموعه به کوشش لیلا اردبیلی و جبار رحمانی و با مشارکت ۲۵ مترجم، حاصل همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسـه مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دفتـر سیاسـت‌گذاری و برنامه‌ریـزی فرهنگی معاونت فرهنگـی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اسـت. انجمن انسان‌شناسـی ایـران نیز در تهیه آن همکاری داشـته است. جلدهای اول تا ششـم از سـوی پژوهشـگاه فرهنگ، هنـر و ارتباطـات و جلدهـای هفتـم تا دوازدهم از سوی مؤسسـه مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده‌اند. این همکاری میان نهادهای پژوهشـی و فرهنگی، با گستردگی موضوع مجموعه تناسـب دارد؛ موضوعـی که برای شـناخت آن بایـد از مرزهای یک رشـته یا حوزه اجرائی فراتر رفت.

بر اسـاس معرفی منتشرشـده از مجموعه، انگیزه تهیه آن، ضرورت شناخت پیامدهای جنگ‌هـای ۱۲روزه و رمضان علیه ایران و توجه به الزامات بازسـازی بوده است. با این حال، افق مجموعه به معرفی مسائل فوری محدود نمی‌شود. گردآوری و ترجمه تجربه‌های جهانی، فرصتی برای آشنایی با پرسش‌هایی فراهم می‌کند که جوامع مختلف در مواجهه با ویرانی، گسست و تلاش برای بازگشت به زندگی با آنها روبه‌رو شـده‌اند. اهمیت چنین کاری در فراهم‌آوردن منابعی است که بتوانند بحث درباره بازسـازی را به دانشـی متکی بر تجربه و پژوهش پیوند و زمینه گفت‌وگو میان پژوهشگران، مدیران و سیاست‌گذاران را گسترش دهند.

دیباچه مجموعـه با عنوان «در ضرورت بازسـازی خردمندانـه»، چارچوب مشـترک این ۱۲ جلد را روشـن می‌کند. در این دیباچه، جنـگ پدیده‌ای معرفی می‌شود که به درون زندگی روزمره، حافظه جمعی و افق‌های آینده نفوذ می‌کند. از این منظر، فهم پیامدهای جنگ نیازمند توجه به خانه‌ها، روابط انسانی، نهادها و معناهایی است که مردم با اتکا بر آنها زندگی خود را سامان می‌دهند. بازسازی نیز تلاشـی برای احیـای امکان زندگی، همکاری و معنا در جامعه‌ای اسـت که تجربه آسیب و گسست را پشت سر گذاشته است. این تعریف، موضوع مجموعه را از حوزه عملیات عمرانی به عرصه گسترده حیات اجتماعی می‌برد.

نکته دیگری که در دیباچه برجسته می‌شود، ضرورت توجه به شرایط تاریخی، فرهنگی و نهادی هر جامعه اسـت. تجربه‌های جهانی برای شناخت مسیرهای ممکن بازسازی اهمیت دارند، اما انتقال تجربه مستلزم فهم زمینه‌ای است که آن تجربه در آن شکل گرفته است. گردآورندگان از این راه، مخاطب را به مطالعه‌ای پرسـش‌محور دعوت می‌کنند: چه عواملی به پایداری بازسـازی کمک می‌کنند؟ اعتماد چگونه ترمیم می‌شـود؟ نهادهای عمومی چه نقشی دارند؟ و مشارکت اجتماعی چگونه در فرایند بازسازی جای می‌گیرد؟ مجموعه، با کنار هم نشاندن حوزه‌های مختلف، منابعی برای اندیشیدن به این پرسش‌ها فراهم می‌آورد.

نخستین جلد، «مدل‌های بازسازی و پیامدهای آنها»، مدخل ورود به مجموعه اسـت. عنوان این جلد، توجه را بـه تنوع الگوهای بازسـازی و نتایج آنها جلب می‌کنـد و زمینه‌ای برای فهم تفاوت مسـیرهایی فراهم می‌آورد که جوامع پس از جنـگ پیش می‌گیرنـد. جلد دوم، «سیاسـت، اقتصاد و جامعه در بازسـازی پسـاجنگ»، سـه حوزه اصلی زندگی جمعی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. این ترکیب در سـاختار مجموعه اهمیت دارد؛ زیرا تصمیم‌های سیاسی، برنامه‌های اقتصادی و وضعیت اجتماعی در فرایند بازسـازی به هم پیوسته‌اند. معرفی این دو جلد در آغـاز مجموعه، چارچوبی کلی برای ورود به حوزه‌های جغرافیایی و موضوعی بعدی به دست می‌دهد.

جلد سوم با عنوان «بازسازی سیاست و جامعه در خاورمیانه پساجنگ»، نگاه مجموعه را بـه منطقه‌ای معطوف می‌کند که تجربه جنـگ و پیامدهای آن در زندگی بسـیاری از جوامع، حضوری مداوم داشته است. قرارگرفتن این عنوان در کنار جلد چهارم، «سیاسـت‌گذاری‌ها و بازسازی‌های پسـاجنگ در آسیا و اروپا»، دامنه جغرافیایی مجموعه را نشان می‌دهد. مخاطب از خلال این تقسیم‌بندی با این امکان روبه‌رو می‌شود که بازسازی را در زمینه‌های متفاوت ببیند و نسبت میان سیاست‌گذاری و ویژگی‌های هر جامعه را در نظر بگیرد. از همان سطح معرفی، بر اهمیت تنوع تجربه‌ها در شناخت موضوع تأکید می‌کند.

جلد پنجم، «سیاسـت‌گذاری‌ها و تجربه بازسازی فرهنگی و اجتماعی ژاپن»، یک تجربه ملی را در کانون توجه قرار می‌دهد. حضور مسـتقل این جلد، جایگاه بازسازی فرهنگی و اجتماعی را در طراحی مجموعه آشکار می‌کند و به مخاطب یادآور می‌شـود مطالعه بازسـازی می‌تواند بر دگرگونی‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی نیز متمرکز باشـد. جلد ششم، «گردشگری پسـاجنگ، حافظه و هویت ملی»، حـوزه دیگری را به این تصویر می‌افزاید. کنار هم قرارگرفتن گردشـگری، حافظه و هویت، نشـان‌دهنده توجه مجموعه به نحوه مواجهه جوامع با گذشته و بازتعریـف رابطه خود با مکان‌ها و روایت‌های جنگ اسـت؛ موضوعاتی که در معرفی عمومی بازسازی کمتر در مرکز توجه قرار می‌گیرند.

با جلد هفتم، «رویکرد شـناختی به جنگ و پساجنگ»، مجموعه به ساحت شـناختی تجربه جنگ وارد می‌شـود. حضـور این عنوان در میـان مجلدات، با تأکیـد دیباچـه بر تأثیر جنگ بـر ذهن‌ها، معناهـا و افق‌های آینـده پیوند دارد و دامنه نگاه مجموعه را گسـترش می‌دهد. جلد هشـتم، «بازسازی شهری در پساجنگ»، شـهر را به عنوان یکی از عرصه‌های اصلی بازسازی مطرح می‌کند. در ترتیب موضوعات، این دو جلد امکان توجه هم‌زمان به تجربه انسـانی جنگ و محیط زندگی انسان‌ها را فراهم می‌آورند. شهرها محل سکونت، کار، ارتباط و شـکل‌گیری خاطره‌اند و جای‌گرفتن بازسازی شهری در چنین مجموعه‌ای، آن را در ارتباط با دیگر ابعاد زندگی جمعی قرار می‌دهد. چهار جلد پایانی به آموزش عالی، دانشـگاه و علم اختصاص یافته‌اند. جلد نهم، «آموزش عالی و بازسازی پساجنگ» و جلد دهم، «بازسازی آموزش عالی و دانشگاه پساجنگ»، دو عنوان نزدیک و مکمل در سـاختار مجموعه‌اند: یکی رابطه آموزش عالی با بازسازی را در عنوان خود برجسته می‌کند و دیگری، بازسازی خود این حوزه را موضوع قرار می‌دهد. این دو جهت توجه، جایگاه دانشـگاه را در تصویر کلی مجموعه روشن می‌کنند. دانشـگاه هم بخشی از جامعه آسیب‌دیده است و هم نهادی است که ظرفیت تولید دانش، تربیت نیروی انسـانی و کمک به فهم مسـائل بازسازی را در اختیار دارد.

معرفی کامل کتاب را در سایت شرق بخوانید

گزارش «شرق» از ماجرای جاده‌کشی اختصاصی یکی از شرکت‌های هواپیمایی در میراث جهانی لوت

فرود غیرقانونی در قلب «لوت»

زینب رحیمی: بیابان لوت بار دیگر در کانون مناقشـه میان توسـعه گردشـگری و حفاظت از میراث طبیعی ایران و جهان قرار گرفته است؛ این‌بار نه بر سر ساخت یک اقامتگاه یا کمپ گردشگری، بلکه بر سر جاده‌ای که به گفته شهداد کلانتری، فعال حوزه گردشگری بیابان لوت، در عمق کلوت‌ها و در عرصه ثبت جهانی این بیابان ساخته شده است. کلانتری می‌گوید مسیر احداث‌شـده حدود ۲۰ کیلومتر طول دارد و از حوض نادر به سمت دو دریاچه فصلی در نزدیکی گندم‌بریان کشیده شده است؛ مسیری که در آن تابلوی «جاده اختصاصی؛ ورود ممنوع» نصب شده است. همچنین به گفته بهمن ایزدی، لوت‌شناس و فعال محیط زیست، ادامه برخی عملیات‌های عمرانی و جاده‌سازی در محدوده گندم‌بریان و کال‌شور می‌تواند این میراث جهانی را وارد مرحله‌ای خطرناک کند؛ مرحله‌ای که حتی احتمال قرارگرفتن آن در وضعیت هشـدار و دریافت کارت قرمز و در نهایت خروج از فهرسـت میراث جهانی را به دنبال دارد. پیش‌تر نیز موضوع طرح گردشـگری هواپیمایی ماهان در بیابان لوت خبرساز شـده بود. میراث فرهنگی کرمان در آن مقطع اعلام کرده بود کلیات طرح ماهان در سال ۱۳۹۹ در کارگروه گردشگری استان به تصویب رسیده، اما پس از اعتراض‌ها، بررسی دوباره آن در دستور کار قرار گرفته و تا تصویب نهایی، عملیات اجرایی متوقف شده است.



از دو دریاچه فصلی تا طرح گردشگری ماهان

شـهداد کلانتری، فعال حوزه گردشـگری بیابان لوت ۳۵ساله است و ساکن کرمان. او در گفت‌وگو با «شـرق» درباره پیشـینه این پـروژه می‌گوید: «ماجرا به سـال ۱۳۹۸ بازمی‌گـردد، زمانی که دو دریاچـه فصلی در محدوده لوت شـکل گرفتند. یکی از این دریاچه‌هـا در کنار جاده شـهداد-نهبندان و دیگری در ضلع جنوبـی گندم‌بریان، میان کلوت‌ها و در نزدیکی رودشـور، ایجاد شـده بود». کلانتری که حدود ۱۰ سـال در حوزه گردشگری لوت فعالیت دارد و به گفته خودش تاکنون حدود چهار هزار و ۵۰۰ کیلومتر در این منطقه پیاده‌روی کرده، ادامه می‌دهد: «از سـال ۹۸ و هم‌زمان با شـکل‌گیری دو رودخانه در لوت، هواپیمایی ماهان متوجه شـد موقعیت ویژه‌ای در آنجا ایجاد شـده اسـت؛ چون دو دریاچه بسـیار زیبا در عمق کلوت‌ها تشکیل شـده بود، به همین دلیل تصمیم گرفتند در آن منطقه فعالیت گردشـگری داشـته باشند و تأسیسات گردشگری ایجاد کنند». به گفته او، نخسـتین طرح، پرورش میگو بود که با آن مخالفت شـد. پس از آن، طـرح دیگری روی میز آمد؛ ایجاد کمپ‌هـای متحرک که قرار بود فقط در فصل گردشـگری لوت، یعنی از مهر تا اسـفند، در منطقه مستقر باشـند و پس از پایان فصل جمع‌آوری شـوند: «در طرح دوم گفتند می‌خواهیم کمپ‌های متحرک برنیم که از مهر تا اسفند آنجا باشند و گردشگران با شتر جابه‌جا شوند. دوباره با این طرح مخالفت شد، چون می‌خواسـتند آن منطقه را انحصاری کنند و کمپ‌های متحرک را با فنس‌کشـی ایجاد کنند. با این طرح‌ها مخالفت شد چون نگرانی اصلی، آسیب به ساختار طبیعی و محیط زیست منطقه بوده است، چون این منطقه کاملا بکر است».

جاده اختصاصی ۲۰ یا ۲۵کیلومتری، با کدام مجوز؟

کلانتری با اشـاره به اینکه طی سـال‌های گذشـته بارها ماهان بـرای لوت چالش ایجاد کرده اسـت، می‌گوید: «بعد از وقایع سال ۹۸، موضوع احداث جاده دوباره مطرح شـد به حدی که سعید شـاهرخی، مدیر کل وقت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دسـتی استان کرمان، در گفت‌وگوهای رسانه‌ای از صدور مجوز برای ساخت جاده برای هواپیمایی ماهان سـخن گفت. مدیر کل وقت میراث فرهنگی در مصاحبه‌هایش گفته ما برای ماهان مجوز جاده‌کشـی داده‌ایم. یک بار عدد ۲۰ کیلومتر و یک بار ۲۵ کیلومتر مطرح شـد، اما مجوز کتبی‌ای که نشان دهد چنین مجوزی صادر شده باشد به ما ارائه نشـد». کلانتری اما معتقد اسـت: «هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید چون سرمایه‌گذار است، اجازه دارد در عرصه ثبت جهانی جاده احداث کند. اینجا عرصه میراث جهانی اسـت». به روایت کلانتری، عملیات جاده‌کشـی از آذر ۱۴۰۳ آغاز شد. او در آن زمان در یک سفر ۴۰روزه در لوت حضور داشت و یک پیاده‌روی طولانی در اطراف این بیابان انجام می‌داد. این فعال گردشـگری می‌گوید: «روز پانزدهم سـفر بودم کـه تلفنم آنتن گرفت. تماس گرفتم و گفتند ماهان کار را شـروع کرده اسـت. بعد از آن موضوع را رسـانه‌ای کردیم. آنها شبانه‌روز کار کردند، دو لودر اضافه و حدود ۱۰ کمپرسی آوردند. بخشی از کلوت‌ها تخریب شـد و مسـیر جاده ایجاد کردند». کلانتری با بیان اینکه عملیات حدود یک ماه ادامه داشت و در بهمن ۱۴۰۳ متوقف شد، ادامه می‌دهد: «در گزارش‌های منتشرشده در همان مقطع نیز استفاده از ماشین‌آلات سنگین در منطقه و توقف عملیات تا زمان ارائه و تصویب طرح ماهان در کارگروه فنی پایگاه‌های میراث ملی و جهانی تأیید شده بود».

جاده از حوض نادر تا دریاچه

اما به گفته کلانتری، توقف عملیات در بهمن ۱۴۰۳ پایان ماجرا نبود، چون در اسفند ۱۴۰۴ بار دیگر جاده‌کشـی آغاز شد. او می‌گوید: «۲۸ اسـفند سال قبل آمدند و از محل عمومی شـروع کردند؛ جایی کـه مردم می‌توانند به‌راحتی کمـپ کنند و نزدیک جاده آسـفالته است. از آنجا شروع کردند به سـمت دریاچه جاده بکشند. یعنی این مسیر از محـدوده حوض نادر و کاروانسـرای قدیمی آن عبور می‌کند و به سـمت دریاچه‌های نزدیـک گندم‌بریان می‌رود». او با بیان اینکـه تمام این محدوده در عرصه جهانی بیابان لوت اسـت، تأکید دارد: «در ضوابط عرصه جهانی ثبت‌شـده، تأکید شده تخریب عرصه ممنوع اسـت و اگر تخریب صورت بگیرد، جرم محسـوب می‌شـود». کلانتری با اشاره به اینکه حدود ۲۰ کیلومتر مسـیر خاک‌ریزی، تسـطیح و کوبیده شـده است، می‌گوید: «جـاده را خاک‌ریزی کردند، غلتک آمد و آن را کوبید. در انتهای جاده هم تابلوی «جاده اختصاصی؛ ورود ممنوع» زدند. یعنی یک مجموعه آمده در عمق کلوت‌ها جاده ساخته و بعـد گفته این جاده اختصاصی و ورود ممنوع اسـت». کلانتری در ادامه روایت خود بـه تغییر مدیران میراث فرهنگی کرمان اشـاره می‌کند: «پـس از بالاگرفتن اعتراض‌ها، شـاهرخی از مدیریت میراث فرهنگی اسـتان کنار رفت. بعد از شاهرخی، آقای نیک‌رو آمد و جلوی کار ایسـتاد و گفت اجازه نمی‌دهم تخریب ادامه پیدا کند. حدود هشـت ماه بعد او هم تغییر کرد. محسـن‌نژاد در آذرماه سال ۱۴۰۴روی کار آمد و چند ماه بعد، در اسـفند همان سال عملیات جاده‌کشـی دوباره آغاز شد». به گفته کلانتری، عملیات خاک‌برداری و جاده‌کشـی در لوت از اسـفند ۱۴۰۴ تا پایان فروردین ۱۴۰۵ ادامه پیدا کرد و پس از گرم‌شـدن هوا متوقف شد. حالا نگرانی اصلی این فعال گردشگری، ازسرگیری عملیات است. او می‌گوید: در فاصله فروردین تا شهریور، نشانه‌هایی از حضور نیروهای جدید و نقشـه‌برداران در منطقه مشاهده شـده است. او با اشاره به اینکه با خنک‌شدن هوا جاده‌کشی در لوت از سر گرفته می‌شود، می‌گوید: «بخش‌هایی از مسیر کاملا کوبیده و آماده شـده و در بخش‌های دیگر فقط با لودر و گریدر مسـیر دسترسـی گرفته شده اسـت. حدود ۱۰ کیلومتر مسیر را کاملا بهسـازی کرده‌اند و در بخش دیگری فقط خط انداخته‌اند. چند ماه قبل با گرم‌شدن هوا کار متوقف شد، اما الان نشانه‌هایی وجود دارد که دوباره می‌خواهند تخریب را شروع کنند».

هیچ‌کس پاسخ‌گو نیست

کلانتری در ادامه با بیان اینکه طی ماه‌های گذشـته پیگیری‌های متعددی از میراث فرهنگی و استانداری کرمان انجام داده، اما پاسخ روشنی دریافت نکرده است، می‌گوید: «از فروردیـن تا الان پیگیری کردیم، اما هیچ‌کس جواب‌گو نیسـت. نه میراث فرهنگی، نه اسـتانداری و نه دسـتگاه دیگری که بتواند یک حکم قطعی برای توقف کار بدهد». شهداد کلانتری، فعال گردشگری، با بیان اینکه موضوع تخریب در لوت را به دادگستری کرمان نیز اطلاع داده اسـت، می‌گوید: «رفتیم پیش دادگسـتری و گفتیم شرکت ماهان دارد تخریب می‌کند. گفتند ما وظیفه نداریم درباره مجوز ورود کنیم». او همچنین تأکید می‌کنـد در جریان پیگیری‌های خود با تهدید به لغو تورهای گردشـگری مواجه شـده اسـت. کلانتری این رفتار را نوعی فشار برای سـاکت‌کردن منتقدان می‌داند و می‌گوید: «هرکسـی را به یک طریق می‌خواهند سـاکت کنند تا کارشـان پیش بـرود». کلانتری، سرپرسـت یکی از تیم‌های گردشگری اسـت و فعالیت تخصصی خود را بر پیاده‌روی و سفرهای کاروانی در بیابان لوت متمرکز کرده است. سابقه فعالیت او در مسیرهای لوت و برگزاری برنامه‌های مرتبط با ثبت جهانی این بیابان نیز قابل توجه اسـت. او می‌گوید: «این منطقه فقط متعلق به کرمان یا ایران نیسـت. لوت یک میراث جهانی است. وقتی در چنین منطقه‌ای جاده‌کشی و ساخت‌وساز انجام می‌شود، باید پرسید چه اتفاقی برای ارزش جهانـی آن می‌افتد؟ ادامه این روند می‌تواند به جایگاه لوت در فهرسـت میراث جهانی آسیب بزند و لوت را از فهرست یونسکو خارج کند».

دشواری جهانی‌شدن لوت

دربـاره تخریب بیابان لـوت، بهمن ایزدی، لوت‌شـناس و فعال محیط زیسـت نیز توضیحاتی می‌دهد. تأکید او بر این اسـت که اول باید عملیات عمرانی در لوت متوقف شـود، بعد وضعیت قانونی و میزان خسـارت بررسـی شـود. بیابان لوت، نخستین اثر طبیعی ایران اسـت که در فهرسـت میراث جهانی یونسکو ثبت شد و حالا در شرایطی قـرار گرفته که به گفته ایـزدی، ادامه برخـی عملیات‌های عمرانی و جاده‌سـازی در محدوده گندم‌بریان و کال‌شـور می‌تواند این میراث جهانـی را وارد مرحله‌ای خطرناک کند؛ مرحله‌ای که حتی احتمال قرارگرفتن آن در وضعیت هشدار و دریافت کارت قرمز و در نهایت خروج از فهرست میراث جهانی را به دنبال دارد. ایزدی به «شرق» می‌گوید: «منطقه‌ای که عملیات عمرانی در آن انجام شـده، در محدوده ارزشـمند لوت شمالی و در جایـی قرار دارد که ویژگی‌هـای طبیعی آن در پرونده ثبت جهانی مورد توجه قرار گرفته اسـت». او تأکید دارد هنوز امکان توقف این روند وجود دارد، اما نخسـتین اقدام باید توقف عملیات عمرانی جدید و سـپس بررسـی مسـتقل و میدانی میزان خسارت باشد. او با اشاره به وسعت واقعی بیابان لوت می‌گوید: «ریخت‌پیکره بیابان لوت به‌طور واقعی چیزی حدود ۸۰ هزار کیلومتر مربع اسـت؛ یعنی سرزمینی به وسعت حدود ۲۰ درصد خاک کشـور. از این محـدوده، حدود ۴۰ هزار کیلومتر مربـع در محدوده‌ای قرار دارد که در فهرسـت میراث جهانی یونسکو ثبت شـده است». به گفته او، ثبت جهانی یک اثر طبیعی فرایندی اسـت که پس از طی مراحل قانونی ثبت ملی انجام می‌شـود. ایـزدی که از فعالان قدیمی مطالعات و حفاظت از لوت اسـت، می‌گوید: «تهیه پرونده ثبت ملی این بیابان سـال‌ها زمان برده و اطلاعات گسترده‌ای درباره ویژگی‌های طبیعی، زمین‌شناختی و زیسـتی آن گردآوری شده است. پرونده ثبت ملی-طبیعی لوت یکی از کامل‌ترین پرونده‌های تهیه‌شده درباره آثار طبیعی کشور بوده است؛ پرونده‌ای که امروز نیز مورد اسـتفاده پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های مختلف قرار می‌گیرد». ایزدی با اشاره به اینکه پس از ثبت ملی، این مسیر ادامه پیدا کرد تا لوت برای ثبت جهانی آماده شـود، ادامه می‌دهد: «بخش اکولوژی پرونده ثبت جهانـی را نیز با توجه به گونه‌های جانوری و اطلاعاتی که درباره ویژگی‌های زیسـتی منطقه داشتیم، تهیه کردم. سرانجام ۲۸ تیر ۱۳۹۴، در ششـمین اجلاس یونسـکو در ترکیه، بیابان لوت به عنوان نخستین اثر طبیعی ایران وارد فهرست میراث جهانی یونسکو شد».

ثبت جهانی فقط یک عنوان نیست

ایزدی تأکید می‌کند ثبت جهانی یک اثر به این معنا نیسـت که مالکیت آن از کشـور خارج می‌شـود؛ لوت همچنان متعلق به ایران اسـت، اما از آنجا که ارزش‌های آن در سـطح جهانی به رسمیت شناخته شده، حفاظت از آن دیگر صرفا یک موضوع داخلی نیست. او با بیان اینکه وقتی یک اثر در سطح جهان به ثبت می‌رسد، معنایش این است که آن اثر در دنیا کم‌نظیر یا منحصربه‌فرد اسـت، تأکید می‌کند: «مالکیت اثر متعلق به کشـوری است که اثر در آن قرار دارد، اما کشـورهای دیگر نیز نسبت به حفاظت از این میراث جهانی حسـاس هستند و یونسکو نیز بر حفظ آن برای نسل‌های آینده بشر تأکید دارد». به گفته ایزدی، با ثبت جهانی، سـطح مسئولیت حفاظت از یک اثر نیز ارتقا پیدا می‌کند و دولت باید سـازوکارهای حفاظتی متناسـب با ارزش‌های جهانی آن را ایجاد کند». یکی از محورهای اصلی نگرانی ایزدی، محل انجام عملیات عمرانی اخیر اسـت: «این بخش در محدوده گندم‌بریان در لوت شـمالی قـرار دارد؛ محدوده‌ای که به دلیل ویژگی‌های خاص زمین‌سـاختی و طبیعی در پرونده ثبت جهانی مورد توجه قرار گرفته و در پرونده ثبت جهانی یونسکو به طور ویژه ثبت شده است. نقشه محدوده‌های آن نیز در پرونده وجود دارد». ایزدی با اشاره به عوارض زمین‌ساختی منطقه می‌گوید: «برخی از این ساختارهای طبیعی و زیبا، حاصل فرایندهای بسیار طولانی زمین‌شناختی هستند و ارزش آنها فقط به زیبایی چشـم‌انداز محدود نمی‌شود. در واقع گندم‌بریان و عوارض اطراف آن بخشـی از یک مجموعه ژئومورفولوژیک اسـت که می‌توان برای مطالعات علمی متعدد از آن استفاده کرد».

کال‌شور؛ زیستگاهی که کمتر دیده شده است

بخش دیگری از صحبت‌های ایزدی به کال‌شـور اختصاص دارد؛ محدوده‌ای که به گفته او به دلیل شـرایط هیدرولوژیک و شوری بالا، چشم‌اندازهای نمکی و ساختارهای ژئومورفولوژیک متنوعی ایجاد کرده است. او می‌گوید: «رواناب‌های مناطق داخلی لوت و بخشـی از سیلاب‌های خراسان جنوبی از این مسیل عبور می‌کنند و در پایین‌دست، به دلیل شرایط خاص، پهنه‌های نمکی و عوارضی مانند ساختارهای پلیگونی و کریستال‌های نمکی شـکل می‌گیرند». ایزدی بـا تأکید بر اینکه اهمیت این منطقـه فقط به آنچه با چشـم دیده می‌شـود محدود نیست، از مطالعاتی سـخن می‌گوید که روی نمونه‌های برداشت‌شـده از کال‌شور انجام شده است و به گفته او، به شناسایی و گزارش یک گونه جانوری به نام «دیاتومه» منجر شده که اخیرا پس از سال‌ها مطالعه توسط نفرات ایرانی و خارجی طی مقاله‌ای علمی برای نخسـتین‌بار در ایران توصیف و ثبت شـد. او در این مورد توضیح می‌دهد: «ما در جای‌جای کال‌شـور مطالعـات انجام دادیم و نمونه‌های نمکی برداشـت کردیم. زیست‌شناسـان ایرانی، ترکیه‌ای، اروپایی و آمریکایی روی آنها کار کردند و اخیرا مقاله مربوط به این موضوع نهایی شده است. چنین یافته‌هایی نشان می‌دهد لوت سـرزمینی خالی و فاقد حیات نیست، بلکه زیست‌بومی پیچیده است که هنوز بخش‌هایی از ارزش‌های آن برای جامعه علمی ناشناخته مانده است». اما پرسش اصلی اینجاسـت: آیا ثبت جهانی یک منطقه طبیعی به معنای ممنوعیت گردشگری و ایجاد زیرساخت در آن است؟ ایزدی به این سؤال پاسخ می‌دهد که اصل گردشگری در لوت با ثبت جهانی منافاتی ندارد، اما نوع و مقیاس آن تعیین‌کننده است. او با بیان اینکه اسناد یونسـکو بر حفاظت از ارزش‌های طبیعی، زمین‌ساختی و اکولوژیکی و همچنین مشـارکت جوامع محلی تأکید دارند، می‌گوید: «گردشگری باید به گونه‌ای طراحی شود که در خدمت شناخت بیشتر و حفاظت از ارزش‌های طبیعی باشد. لوت ظرفیت بالایی برای ژئوتوریسـم دارد و حتی می‌توان برای پژوهشـگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به زمین‌شناسـی، علوم طبیعی و اقلیم‌شناسان برنامه‌های گردشگری علمی تعریف کرد». او همچنین ایجاد کمپ‌های موقت را در نقاط مناسب، به شرط رعایت ضوابط حفاظتی، قابل بررسـی می‌داند؛ کمپ‌هایی که پس از پایان اسـتفاده جمع‌آوری شوند و ساختار دائمی بر طبیعت تحمیل نکنند.

الگوی گردشگری باید جامعه محلی را منتفع کند

ایزدی معتقد اسـت گردشـگری در لوت زمانی می‌توانـد در خدمت حفاظت قرار گیرد که جامعه محلی نیز از آن منتفع شـود. او به وضعیت روستاهای اطراف لوت در سـال‌های گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: «بسیاری از ساکنان این مناطق با کمبود آب، ازبین‌رفتن کشاورزی و مشکلات اقتصادی مواجه بوده‌اند. در برخی روستاها تلاش شده از طریق بوم‌گردی و صنایع‌دستی، درآمد جایگزین برای مردم ایجاد شود». او به فعالیت زنان روسـتای شفیع‌آباد و شـکل‌گیری گروه بانوان «گوجینو» اشاره می‌کند که با احیای برخی بافته‌های سنتی مانند پته‌دوزی توانسته‌اند برای زنان محلی درآمد ایجاد کنند و از ماحصل مالی آن، قنوات منطقه را لایروبی و احیا کنند. از نظر او، این مدل با گردشگری گسترده و زیرساخت‌های سنگین تفاوت اساسـی دارد؛ زیرا در مدل نخست، گردشگری می‌تواند به حفظ ارزش‌های طبیعی و اجتماعی منطقه کمک کند، درحالی‌که توسـعه زیرساختی نامتناسب ممکن اسـت به حذف همان ارزش‌هایی منجر شود که گردشگر برای دیدن آنها به بیابان لوت می‌آید. ایزدی درباره عملیات انجام‌شده در منطقه با اشاره به اینکه جاده‌سـازی و عملیات خاک‌ریزی در در محدوده دربند و گندم‌بریان انجام شده است، می‌گوید: «در ادامه عملیات، جاده تا کرانه‌های نمکی پیش رفته و بخش‌هایی از عرصه‌های ارزشـمند تخریب شده است. شکل عملیات این احتمال را ایجاد می‌کند که هدف، ایجاد خاکریز برای کنترل رواناب کال‌شور و شکل‌دادن به یک پهنه آبی مصنوعی باشد؛ هرچند درباره هدف نهایی پروژه اطلاعات قطعی در اختیار نداریم، چون شفافیتی در ایـن مورد وجود ندارد. اگر قرار اسـت در ایـن منطقه دریاچـه مصنوعی یا جاذبه انسان‌سـاخت ایجاد شود، باید پرسید چنین اقدامی چه نسـبتی با ارزش‌هایی دارد که اساسا به دلیل آنها لوت ثبت جهانی شده است. سازمان یونسکو گندم‌بریان را در بخش شمال غربی هسته لوت، یک پهنه سنگی سیاه گسترده بر روی سازندهای بازالتی مربوط به دوره کواترنر توصیف کرده است. لذا اهمیت این منطقه صرفا به جذابیت گردشگری آن محدود نیست». او درباره اهمیت طبیعی محدوده ثبت‌شده جهانی لوت هم توضیح می‌دهد: «گندم‌بریان در متن پرونده جهانی لوت و اسـناد تصویری رسـمی یونسکو نیز به عنوان یکی از عوارض شـاخص میراث جهانی ثبت شده است؛ حتی یکی از تصاویر رسـمی پرونده با عنوان «Lut Desert: Shur River and Gandom Beryan» در آرشیو یونسکو موجود است. پس وقتی در چنین محیطی جاده احداث می‌شود، خاک جابه‌جا می‌شـود، عرصه تسطیح می‌شود یا مسـیر جریان آب تغییر می‌کند، مسئله را نمی‌توان صرفا با معیار میزان مسـاحت تخریب‌شده سنجید. در یک میراث ژئومورفولوژیک، خود فرایند و پیوستگی چشم‌انداز بخشی از ارزش اثر است که اعمال مدیریت حفاظت را در اولویت نخست قرار می‌دهد».

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

روز جهانی ترومبوز
۲۱ مهرماه

خطر لخته شدن خون
در دوران بارداری و پس‌از زایمان

WORLD THROMBOSIS DAY
13 OCTOBER

در دوران بارداری خطر لخته شدن خون ۴ تا ۵ برابر افزایش می‌یابد و پس‌از زایمان این خطر می‌تواند تا ۲۰ برابر افزایش یابد. در صورت بروز هر یک از علائم زیر، فوراً با پزشک خود تماس بگیرید یا به اورژانس مراجعه کنید؛

در دوران بارداری و پس از زایمان، تغییرات طبیعی بدن، احتمال لخته‌شدن خون را افزایش می‌دهد. این روند طبیعی و محافظتی بدن است اما در برخی افراد می‌تواند خطرناک باشد. هفته‌های پس از زایمان، حساس‌ترین دوره از نظر ایجاد لخته خون است.

علائم و نشانه‌ها
• تورم، درد یا گرم شدن یک پا

علائم هشدار دهنده و اورژانسی
• تنگی نفس یا درد ناگهانی در قفسه سینه
• سردرد بسیار شدید
• تغییر ناگهانی در قدرت بینایی
• بی‌حسی یا ضعف ناگهانی در یک طرف بدن

عوامل خطر
• افرادی که سابقه خانوادگی لخته شدن خون یا بیماری‌های ارثی مستعد کننده لخته شدن خون دارند
• افرادی که سابقه زایمان به روش سزارین دارند
• افرادی که فعالیت بدنی کمی دارند و یا به دلیل بیماری بستری هستند
• افرادی که سن بالای ۳۵ سال با اضافه وزن دارند
• افرادی که بارداری دوقلویی یا چندقلویی دارند



راه‌های کاهش خطر

از پزشک خود بخواهید در مراحل مختلف بارداری، هنگام زایمان و پس از آن، خطر لخته شدن خون را ارزیابی کند.

در صورت داشتن سابقهٔ خانوادگی لخته‌شدن خون، سابقهٔ سزارین یا بستری طولانی مدت، در بارهٔ نیاز به داروهای ضد لخته، با پزشک خود مشورت کنید.

پس از زایمان، با تائید پزشک فعالیت بدنی مناسب داشته باشید و پیاده روی کنید.

موسسه خیریه مهتا (سازمان مردم نهاد)
انجمن هماتولوژی و آنکولوژی کودکان ایران